

سیک ارتباط



محمدپدی علی جوان

در شلوغی بازار کرونا نمی گیریم، ولی در چند دقیقه سرکشی به سالمندان می گیریم!؟

صله رحم در یک بام و دوهوای کرونا!

■ مرضیه بامیری
کرونا که آمد یک برچسب ورود ممنوع سر در خانه‌ها زد و غیرمستقیم اعلام کرد از پذیرفتن مهمان معذوریم. دورهمی‌ها دچار دگرگونی شد و به نظر می‌رسد اصل دید و بازدیدهای نوروزی که بر پایه سنت‌های شیرین ایرانی است، دچار تغییرات فراوانی شده و اگر با این‌روال پیش برویم تا چند سال دیگر چیزی از این رسوم باقی نمی‌ماند. روز سیزده بدر است در محل گزارشم گیپ تا کیپ ادم نشسته و مشغول تفریح و گپ زدن هستند، با آنها وارد گفت‌وگو می‌شوم.

■ ■ ■

گیپ و گفتنی با مهمانان روز طبیعت

خانم ملاقلی می‌گوید: مدت زیادی در خانه بودیم. کرونا و یکجا نشینی خستمان کرده بود. روز طبیعت دل را زدیم به دریا و آمدیم در دل طبیعت تا کمی رخوت این‌روزهای کرونایی را بشوید و ببرد. ما امسال نه جایی رفتیم و نه کسی خانه‌مان آمد. همه پروتکل‌ها را نیز رعایت کردیم. او می‌گوید: تماس‌هایش مجازی بوده و فقط به دیدار اقوام درجه یک مثل خواهر، برادر، پدر و مادرش رفته است. خانم رضادند نیز می‌گوید: ما پنج خواهر و برادر هستیم که هر کداممان در یک شهر ساکن هستیم. اما دید و بازدید عید نداشتیم. فقط هر پنج‌تایی‌مان به خانه پدری رفتیم و تعطیلات را کنار هم سپری کردیم. او می‌گوید: بزرگان فامیل را هم تلفنی جویای احوالشان شدیم و در کل چیزی به نام دید و بازدید نداشتیم.

فاطمه قنبری که اصلتش از زنجان است، می‌گوید: خانواده من بزرگ خاندان هستند و حتی کرونا هم نتوانست جلوی دید و بازدیدها را بگیرد. آنها به رسم ادب مثل سال‌های گذشته به خانه پدری‌ام آمدند و دیدار تازه کردند، ولی پدرم به خاطر شرایط کرونایی

نگاه

و بیماری قلبی مادرم به بازدید هیچ‌کدام از اقوام نمی‌رود و با یک عذرخواهی موضوع را تمام می‌کند. یکی دیگر هم از تجربه جدید نوروزی‌شان در روزهای کرونایی تعریف می‌کند. او می‌گوید: به دلیل رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و دوری از ویروس کرونا امسال دید و بازدیدمان متفاوت بود. با ماسک به خانه بزرگان فامیل و اقوام می‌رفتیم و همان‌جا مقابل در ادای احترام می‌کردیم. همه را دیدیم بدون اینکه حتی یک جای خانه کسی نوشیده باشیم.

■ کیل عید را دید و بازدید نرفتنند

با لبخندی گوشه لب از یکی از آنها می‌پرسم شما که تمام عید را به خاطر کرونا مرعات کردید و دید و بازدید نرفتید، پس چرا حالا همگی یکجا کنار هم

با فاصله کم نشستهاید؟ پاسخش صادقانه و حرف خیلی از مردم جامعه بود: رفت و آمد این روزها هزینه زیادی دارد. کسی وسعت نمی‌رسد مثل سابق برای آن همه مهمان آجیل و شیرینی بخرد. ما هر سال دو کیلو آجیل و چند جعبه میوه می‌خریدیم برای مهمانی نوروز. از شهرستان کلی مهمان داشتیم و هر کس می‌آمد و چند روزی مهمان خانه ما بود، ولی حالا اوضاع فرق می‌کند. یک صبحانه ساده

کلی هزینه برمی‌دارد. نه میزبان دلخوش به این مدل دورهمی‌هاست و نه مهمان رویش را دارد خانه کسی بماند. قدیمی‌ها مهمان را با تعارف یک لقمه نان و پنیر یا یک لقمه نان و سبزی راضی به ماندن می‌کردند، ولی حالا با این‌رخ تورم و گرانی موادغذایی حتی نیمرو هم هر هزینه است. اگر خانه

کسی چیزی بخوری از انصاف جا مانده‌ای و چیزی از گلویت پایین نمی‌رود. اگر هم نخوری میزبان دلخور و برایش سوء تفاهم درست می‌شود. بعد هم او دیگر زحمتش را کشیده و در خرج افتاده، حالا خوردن در نخوردن ما خیلی تأثیر در سبب اقتصادی او ندارد، ولی به لطف کرونا نه می‌رویم و نه می‌اییم. کسی

چرا از سادگی رفت‌وآمدهای فامیلی دور شدیم؟

دورهمی به صرف فضای مجازی!



گوشه‌ای از خانه دارند ماشین و خانه‌هایشان را به رخ هم می‌کشند، خانم‌ها هم که طبق معمول یا گوشی بازی می‌کنند یا یز طلاهایشان را می‌دهند و جواهرات‌شان را در چشم آن یکی می‌کنند، یا در حال غیبت از تک‌تک همسایه‌ها و دیگر اعضای فامیل هستند یا از مدل و طرح ناخن و لوازم آرایشی‌شان حرف می‌زنند! حالا برسیم

سر سفره‌ا از هرچه بگذریم سخن دوست خوش‌تر است! اگر غذا درست و حسابی و به قول معروف چرب و چیلی (در حد مرغ، قرمه سبزی پر از گوشت همراه با نوشابه، سالاد فصل و...) نباشد، تمام بشقاب‌ها می‌شود پر از ته مانده! قیافه‌ها همه کج و کوله! اخم‌ها تو هم و ابروها لنگه به لنگه! این‌هم شد دورهمی؟! نباشه سنگین‌تره!

یاد روزهای سداگمی به خیر! همه جمع می‌شدند خانه

سیک زندگی

سیک زندگی۸۸۹۸۴۷۱

د

چیزی که بیش از کرونا دید و بازدیدها را نشانانه گرفته، وضع نابسامان اقتصاد است. خانوارها آنقدر اولویت مالی دارند که از کرونا قدردانی می‌کنند که مراعات جیب‌شان را کرد، ولی چیزی که قابل تأمل است ادامه این روند بی تفاوتی نسبت به اقوام می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری ایجاد کند. این بی تفاوتی در تمام طول سال ادامه می‌یابد و دیگر کسی به خودش زحمت نمی‌دهد حال اقوام را جویا شود

و قابل تأمل است ادامه این روند بی تفاوتی نسبت به اقوام و سنت نیکوی صله رحم می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری ایجاد کند. این بی تفاوتی در تمام طول سال ادامه می‌یابد و دیگر کسی به خودش زحمت نمی‌دهد حال اقوام را جویا شود.

■ آیا صله رحم را فراموش خواهیم کرد؟

کرونا آمد تا خیلی‌ها ثابت کنند پایبند اصول خانواده نیستند و فقط از سر وظیفه در مراسم فامیلی مثل عزا یا عروسی شرکت می‌کنند. حالا که به لطف کرونا نه خانی می‌آید و نه خانی می‌رود، ایی از آب تکان نمی‌خورد و برای همه ی تفاوتی‌ها یک چاشنی بیخشد به خاطر کرونا نیامدم هزینه می‌کند. البته چه از این بهتر که بسیاری از رسوم هرزهنه شناسایی و محدودت‌های باعث شد آدم‌ها بداندن حضور شان موجب تسلی است نه تاج‌های گرافیکمیل گت با پارچه نوشت‌های روی دیوار.

کرونا ثابت کرد اگر کسی واقعاً دوست داشته باشد درست در همین شرایط برای تنها نگذاشتن تو راه‌حل پیدا می‌کند و بدون اینکه به تو آسیب و ویروسی بزند، مثل کوه پشتت می‌ایستد. کرونا آنقدر که بد بود یکسری خوبی هم داشت و باعث شد تکلیف خودی و بیخودی از هم سوا شود و تو آدم‌های واقعی زندگی‌ات را بشناسی. رسوم غلط را بشناسی و بدانی برای همدردی می‌شود بدون خوردن شام و ناهار. خانواده‌داغدیده را تسلی داد. می‌شود بدون خرج تراشیدن‌های الکی فاتحه نثار کرد و به جای آب نبات‌های رنگی فکر خیرات مؤثرتری افتاد که زنده‌ها را خوشحال کند.

کرونا تا چند وقت دیگر پرونده‌اش بسته می‌شود و زندگی اجتماعی به روال عادی برمی‌گردد. باید منتظر ماند و دید آیا صله رحم دوباره پا می‌گیرد یا عوامل اقتصادی مردم جلوی این سنت را خواهد گرفت.

د

بادر نظر داشتن ورعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی هم که شده، باز هم امروز دیگر حرفی از دور هم جمع شدن نیست و در بیشتر زندگی‌ها تمرکز افراد بر مسئله چشم و هم‌چشمی است. متأسفانه توقعات هم‌بالا رفته و کمتر کسی می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازهای کاذب خانواده‌ها باشد

دور از هم هستیم!

این نوشته را با روایتی از پیامبر گرامی اسلام درباره اهمیت صله رحم در دین‌مان به پایان می‌بریم. شخصی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله! بستمگانم با من قطع رابطه کرده و مرا مسود حمله و شماتت قرار داده‌اند، آیا من هم با آنها قطع رابطه کنم؟» پیامبر (ص) فرمود: «با این وضع خداوند نظر و رحمتش را از همه شما بر می‌دارد.» آن مرد گفت: «پس چه کنم؟» حضرت فرمود: «ایجاد رابطه کن با کسی که با تواضع رابطه کرده است و ببخش به کسی که تو را محروم ساخته است و غفون کن کسی را که به تو ظلم کرده است. در این صورت از سوی خداوند پشتیبانی در برابر آنها خواهی داشت.»

سیک یادگیری



تدریس برای آزمون یا تدریس برای اندیشیدن؟!

هر دانش آموز، یک فیلسوف!

■ تلخیص: حسین گل محمدی

از کلاس‌های مدرسه کدام یک در خاطر تان باقی مانده است؟ آنهایی که شما را به تفکر و تبادل نظر فرا می‌خواند یا آنهایی که مطالب موردنیاز برای آزمون را به خوردتان می‌داد؟ نظام آموزشی در سراسر جهان هر روز بیشتر از اندیشیدن فاصله گرفته و به‌سوی آزمون‌محوری حرکت می‌کند. این در حالی است که در تفکر سقراطی، آموزش با طرح سؤال آغاز می‌شود و با پرسشگری ادامه می‌یابد و به‌سوی فهمی عمیق‌تر حرکت می‌کند.

بدل می‌شود. آموختن «خوداندیشیدن» به شاگردان هدفی ستودنی است، اما منتقدان این ایده می‌گویند، چنانچه دانش‌آموزان به خود واگذار شوند، اکثریتشان برای یافتن راهی برای پیش‌رفتن دچار مشکل می‌شوند. حقیقت این است که چنین نقدی تنها به برداشتی ساده‌لوحانه از یادگیری مستقل وارد است. مبلغان تأین باید دانست: «با احتمال زیاد، جلسه درس دارای «نتیجه‌ای آموزشی» خواهد بود که مستقیماً از برنامه امتحان اخذ شده است. کتاب‌های درسی با نظرات ممتحنین، بانک‌های سؤال محتمل امتحانی و مجموعه خلاصه‌هایی حاوی «جواب‌های الگو» در دسترس است. کلاس‌های درس امروزی، بسیار به دور از محیط‌هایی برای پرسشگری آزاد، شبیه به یادگان‌های تمرین نظامی هستند که در آنها شاگردان به دنبال فراهم کردن جواب‌های بی‌نقص به پرسش‌های بالقوه امتحانی هستند.

مارتا نوسام در کتاب «نه برای سود» موضوع را اینطور تشریح می‌کند: «تدریس برای امتحان، که غلبه‌ای روزافزون بر کلاس‌های درس مدارس عمومی دارد، انفعال دانش‌آموز و روزمرگی معلم را در پی دارد. خلاقیت و فردیت که معرف بهترین نتایج تحصیلی و تربیت انسان گرایانه هستند، به‌سختی مجالی برای رشد می‌یابند.»

مدرسه زمانی که به‌جای آموزش شاگردان برای قبولی در امتحانات، به آنان چگونه اندیشیدن

از سوی خودشان را بیاموزد، لذت‌بخش‌تر و مؤثرتر خواهد بود. برای فهمیدن راه تحقق این مسئله، باید چیزی را به یاد بیاوریم که به‌دلیل اشتیاقمان برای تبدیل مدارس به آموزشگاه کارایی اقتصادی از یاد برده‌ایم. آنچه سقراط

مدت‌ها پیش توجه ما را به آن جلب کرد، اینکه آموزش فرایندی فلسفی است. این آموزش با طرح سؤال آغاز می‌شود یا پرسشگری ادامه می‌یابد و به‌سوی فهمی عمیق‌تر حرکت می‌کند. نیروی مورد نیاز برای سفر پرسشگری را تأمل نقادانه، بحث و مناظره تأمین می‌کند. مقصد این سفر نه پاسخ‌های نهایی بلکه درک بیشتر محدودیت‌هایی

است که دانش ما هم در باره جهان پیرامون و هم درباره خویشن مرزومان از آن رنج می‌برد. همین ادراک است که سقراط نام «خرد» بر آن نهاد. او کوشید تا همشهریان اتنی خود را با طرح سؤال و آشکار کردن فهم محدودشان از ایده‌هایی پراهمیت در زندگی، مانند عدالت یا شجاعت به اندیشیدن وادار کند. پذیرش پرسشگری سقراطی با روحیه‌ای سازنده، نقطه آغازین فرایند جست‌وجوی ما برای گسترش فهم‌مان خواهد بود و همچنین می‌تواند باعث ایجاد فروتنی و سعه‌صدر برای پذیرش ایده‌های دیگران شود. مدارس اگر بخواندها هدفشان را محقق سازند، نمی‌توانند این فهم فلسفی آموزش را نادیده بگیرند. مدارس نباید خود را تنها توزیع‌کننده دانش لازم برای موفقیت در جهان کار ببینند، آنها باید خود را اجتماعی برای تأمل فیلسوفانه نیز تصور کنند، فضایی که در آن دانش‌آموزان می‌توانند آموخته‌هایشان را به‌دقت واریسی کرده و درباره معنای خوب‌زیستن، خودشان ببندیشند. چنانچه آموزش فلسفی با این تعاریف فهمیده شود، دیگر تنها موضوعی منفصل از موضوعات دیگر نیست، بلکه رویکردی به یادگیری است که می‌توان کاربردی برای آن در تمام جوانب برنامه تحصیلی یافت.

چگونه می‌توان اندیشیدن را به کسی آموخت؟ دانش‌آموزان با اندیشیدن، اندیشیدن را می‌آموزند آن هم زیر نگاه تیزبین مربی سقراطی که آنها را به سوی بهبود روند تفکرشان راهنمایی می‌کند. بنابراین از طریق مربیگری سقراطی در اجتماع پرسشگر است که فرایند شکل‌گیری اندیشمندیان مستقل آغاز می‌شود، اما رشد و تکامل زمانبر بوده و اگر تمام آنچه در کلاس درس اتفاق می‌افتد توالی سریع واحدهای درسی باشد، زمان برای اندیشه‌های ژرف‌تر، به منای کمیاب

نقل از وب سایت ترجمان نوشته:جان تیلور / ترجمه: علی امیری مرجع:ایان